



هفتم تیر ۱۳۴۰، شهید آیت‌الله بهشتی و ۷۲ تن از یارانش که جمعی از بزرگ‌ترین نجبگان پیشواز مکتبی و ارزشی انقلاب اسلامی ایران بودند، در شهادت رسیدند و سند اقتدار و شکست‌ناپذیری جمهوری اسلامی ایران را با خون ایضا نمودند.

آیت‌الله بهشتی رئیس‌وقه قضائیه، چهار وزیر، بیش از ده معاون وزیر و حدود سی نماینده مجلس در میان شهدا بودند. از میان برادرشان فیزیکی این تعداد مدیر عالی‌رتبه بود. از زمین زدن یک نظام تثبیت‌شده و استخواندار هم در آن روزها خبر نداشتند.

برای کفایت عمری‌ش به شمار می‌رفتند. ویژگی‌های عظیم یاد نموده‌اند:
– ۷۲ تن بیگناه به عدد شهادی کربلا

– مردانی که خود را وقف خدمت به اسلام و مسلمین کرده بودند

– از خدمتگزاران فعال و صدیق

– از بهترین خدمتگزاران خلق و مخالف سرسخت با دشمنان کشور و ملت

– دوستان و عزیزان وفاداری که هر یک برای ملت مستمده استوانه بسیار قوی و پشتوانه ارزشمند بودند.

– برادران بسیار متمدنی که اشدا علی الکفار رحماء بنهیم بودند.

– برای ملت معلوم و محافل انقلابی سدی استوار و شجره‌ای ثمری‌بخش به شمار می‌رفتند.

– امام‌خامنه‌ای نیز از شهدای هفتم تیر با این تعابیر

و ویژگی‌های عظیم یاد نموده‌اند:

– شهیدای عالی قدر
– عزیزترین و برجسته‌ترین عناصر انقلاب
– هر کدامشان یک پایه استوار برای آینده نظام و برای اقامه نظام جمهوری اسلامی در کشور بودند.
– شخصیت‌های برجسته، صالح، کارآمد، دارای استعدادهای فوقی
– شهدای حاکمیت ارزش‌های اسلامی و اساس جمهوری اسلامی

– از دستاوردهای خون شهدای هفتم تیر که رهبر انقلاب تبیین نموده‌اند:

– نظام اسلامی در آن واحد، هم خلوص بیشتری پیدا کرد، هم حقانیت او ثابت شد، هم واقعیت او در جامعه استقرار یافت.

– تثبیت منطق مستحکم جمهوری اسلامی و منطق امام بزرگوار

– استحکام نظام نوپای جمهوری اسلامی
– حادته‌ای هفتم تیر نشانۀ اقتدار و استحکام

– این حادثه نشان داد ضربه‌های سهمگینی از این قبیل هم حتی نمی‌تواند به استحکام بنای جمهوری اسلامی که به ایمان و حضور مردم تکیه کرده است، خللی وارد کند.
– تاام مادن تهاجم کینه‌ورانه دشمنان انقلاب برای فلج کردن نظام اسلامی

– پایدار کردن انقلاب
– نشان دادن صداقت و حقایقت انقلاب و طرفدارانش
– دردمی فرستیم بر تمامی شهدای هفتم تیر و پادی می‌نماییم از چند تن از شهدای این حادثه خونین و اقتدارآفرین.

**شهید سید محمد حسینی بهشتی**

پرچمدار و علمدار و طلاهدار شهدای هفتم تیر، شهید معلوم و اعلام‌رتبه آیت‌الله سید محمد حسینی بهشتی است.

برخی تعابیر و فضایل و خصائل شهید بهشتی که در رهنمودهای مقام معظم رهبری ذکر شده:
– شهید بزرگوار و عزیز و کم‌نظیر و معلوم
– سالیان دراز کوشش در راه پیشبرد انقلاب
– پایه‌گذار یکی دادسنتری اسلامی
– به‌واقعی و واقعی کلمه پایبند به میانی انقلاب و امام بود

– پرهیزکار و مؤمن و متشع
– پایبند به اصول و میایی بود، بر سر اصول با کسی ملاحظه نمود نمی‌کرد.

یک عنصر بی‌نظیر، لاف‌لق کم‌نظیر در مجموعه انقلاب بود
– تشکیلات جدید قضایی و نظام نوین قضایی اسلامی

با فکر و ابتکار و پشتکار شهید معلوم بهشتی توانست متعقد شود و شکل بگیرد.

– یک شخصیت نمونه و ممتاز در نظام اسلامی
– یک شخصیت فاضل، روشنفکر، آگاه، مدیر، بانفیر

– از عمق جان معتقد به احکام و قضای اسلام
– یک پرچم برافراشته در سیر انقلاب

– پایه‌گذار و معمار نوین قضایی کشور

**شهیدان پاک‌نژاد**

برادران شهید سیدمحمد و سیدرضا پاک‌نژاد از شهدای هفتم تیر هستند. اجداد این شهیدان همه از روحانیون و علمای طراز اول شهر یزد بودند، لذا ناین دوشهید بزرگوار مطالعات عمیقی در مباحث اسلامی داشتند.

شهید سید محمد پاک‌نژاد پس از اخذ دیپلم، لبنان را برای تحصیلات دانشگاهی انتخاب کرد. مدتی که در لبنان بود بیشتر در ارتباط با انجمن‌های اسلامی فعالیت می‌کرد و با محضر امام موسی صدر کسب فیض می‌نمود.

از لبنان به آلمان و بعد به سوئیس رفت و در دانشگاه شهر بال در رشته اقتصاد به تحصیل پرداخت.
مطالعاتش را بیشترین در زمینه مسائل اقتصادی در اسلام صرف کرد و در ضمن تخصص به تحقیق درخصوص مباحث اقتصادی در اسلام همت گماشت.
دکتر تازی خود خود را در همین مورد به تحریر درآورد.
بیست سال از عمر خود در خارج از کشور گذراند
در طول این مدت با فعالیت در انجمن‌های اسلامی در اعتصابات که بر علیه رژیم منحوس پهلوی انجام می‌شد، شرکت می‌کرد. در سال ۱۳۵۷ به ایران بازگشت و شرکت فعالی در جریان‌های پیروزی انقلاب اسلامی داشت.
بعد از پیروزی انقلاب به عنوان عضو هیئت مدیره صنایع چوب و کاغذ به کار مشغول شد. برادرش شهید سیدرضا پاک‌نژاد قبل ازانقلاب آموزگاری در مدارس شهر یزد، حسابدار و طبابت و سرپرست ریاست بیمارستان هراتنی و میمه یسزد را تجربه کرد.
در دوران مبارزات ضدطاغوت، سخنرانی‌های ارشادی و افشاگرانه در مدارس و جلسات تفسیر قرآن داشت و در تمام مدت مبارزات دالما مورد تهدید ساواک قرار می‌گرفت.
پس از پیروزی انقلاب اسلامی مسئولیت‌های مختلفی به‌شهر یزد عهده‌دار گردید و سرانجام در نخستین دوره انتخابات مجلس



هم پیوند می‌داد، از جمله خدمات درخشان دیگرش بود. شهید موسی کلاتری از وزرای پرکار و فعال کابینه شهید رجایی بود. راهایی که به همت او در کمتر از دو سال در محروم‌ترین نقاط کشور ساخته شد، از راه‌های ساخته شده در طول حکومت ننگین پهلوی بیشتر بود و طرح خلاقانه احداث جاده بسروی درپایه ارومیه، از ایده‌های سازنده‌اش بوده که به همگان ثابت کرد ما می‌توانیم در این زمینه خودکفا و بی‌نیاز از بیگانگان باشیم.
روایت‌های مختلف همسر شهید از فضایل و ویژگی‌های سید رضا بسیار شنیدنی است:

«پیشان در برابر مردم بسیار خاضع و خاضع بود. از کسانی که فقر مالی داشتند اصلاً وزیرت نمی‌گرفت و رایگان بیماران را ویزیت می‌کرد. حتی به لطف الهی خون‌های شهدای هفتم تیر ریشه و اساس انقلاب و نظام را پایدارتر و مستحکم‌تر هم نمود.

بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران خمینی کبیر از شهدای هفتم تیر با این تعابیر و ویژگی‌های عظیم یاد نموده‌اند:

– ۷۲ تن بیگناه به عدد شهادی کربلا

– مردانی که خود را وقف خدمت به اسلام و مسلمین کرده بودند

– از خدمتگزاران فعال و صدیق

– دوستان و عزیزان وفاداری که هر یک برای ملت مستمده استوانه بسیار قوی و پشتوانه ارزشمند بودند.

– برادران بسیار متمدنی که اشدا علی الکفار رحماء بنهیم بودند.

– برای ملت معلوم و محافل انقلابی سدی استوار و شجره‌ای ثمری‌بخش به شمار می‌رفتند.

– امام‌خامنه‌ای نیز از شهدای هفتم تیر با این تعابیر

و ویژگی‌های عظیم یاد نموده‌اند:

– شهیدای عالی قدر
– عزیزترین و برجسته‌ترین عناصر انقلاب
– هر کدامشان یک پایه استوار برای آینده نظام و برای اقامه نظام جمهوری اسلامی در کشور بودند.

– شخصیت‌های برجسته، صالح، کارآمد، دارای استعدادهای فوقی
– شهدای حاکمیت ارزش‌های اسلامی و اساس جمهوری اسلامی

– از دستاوردهای خون شهدای هفتم تیر که رهبر انقلاب تبیین نموده‌اند:

– نظام اسلامی در آن واحد، هم خلوص بیشتری پیدا کرد، هم حقانیت او ثابت شد، هم واقعیت او در جامعه استقرار یافت.

– تثبیت منطق مستحکم جمهوری اسلامی و منطق امام بزرگوار

– استحکام نظام نوپای جمهوری اسلامی
– حادته‌ای هفتم تیر نشانۀ اقتدار و استحکام

– این حادثه نشان داد ضربه‌های سهمگینی از این قبیل هم حتی نمی‌تواند به استحکام بنای جمهوری اسلامی که به ایمان و حضور مردم تکیه کرده است، خللی وارد کند.
– تاام مادن تهاجم کینه‌ورانه دشمنان انقلاب برای فلج کردن نظام اسلامی

– پایدار کردن انقلاب
– نشان دادن صداقت و حقایقت انقلاب و طرفدارانش
– دردمی فرستیم بر تمامی شهدای هفتم تیر و پادی می‌نماییم از چند تن از شهدای این حادثه خونین و اقتدارآفرین.

**شهید سید محمد حسین صادقی**

شهید آیت‌الله محمدحسین صادقی در هجده سالگی برای تحصیل معارف اسلامی به مطبق مقدس قم وارد شد. با آغاز نخستین حرکت‌های حزب رژیم ستمشاهی در شهرهای قم و الیگودرز و اراک سخنرانیهای افشاگرانه زیادی انجام داد و در مبارزات انقلابی و راهپیمایی‌ها در وسط میدان بود و بارها مورد تهدید، تعقیب، بازجویی و شکنجه قرار گرفت و چند بار هم زندانی شد.

پس از پیروزی انقلاب تشکوهمند اسلامی با حکم امام خمینی به عنوان قاضی شرع دادگاه انقلاب اسلامی الیگودرز منصوب شد.

در اولین جلسه دادگاه انقلاب الیگودرز که مربوط به رسیدگی به جرائم مأموران اداره ساواک الیگودرز بود،

– پایه‌گذار یکی دادسنتری اسلامی
– به‌واقعی و واقعی کلمه پایبند به میانی انقلاب و امام بود

– پرهیزکار و مؤمن و متشع
– پایبند به اصول و میایی بود، بر سر اصول با کسی ملاحظه نمود نمی‌کرد.

یک عنصر بی‌نظیر، لاف‌لق کم‌نظیر در مجموعه انقلاب بود
– تشکیلات جدید قضایی و نظام نوین قضایی اسلامی

با فکر و ابتکار و پشتکار شهید معلوم بهشتی توانست متعقد شود و شکل بگیرد.

– یک شخصیت نمونه و ممتاز در نظام اسلامی
– یک شخصیت فاضل، روشنفکر، آگاه، مدیر، بانفیر

– از عمق جان معتقد به احکام و قضای اسلام
– یک پرچم برافراشته در سیر انقلاب

– پایه‌گذار و معمار نوین قضایی کشور

برادران شهید سیدمحمد و سیدرضا پاک‌نژاد از شهدای هفتم تیر هستند. اجداد این شهیدان همه از روحانیون و علمای طراز اول شهر یزد بودند، لذا ناین دوشهید بزرگوار مطالعات عمیقی در مباحث اسلامی داشتند.

شهید سید محمد پاک‌نژاد پس از اخذ دیپلم، لبنان را برای تحصیلات دانشگاهی انتخاب کرد. مدتی که در لبنان بود بیشتر در ارتباط با انجمن‌های اسلامی فعالیت می‌کرد و با محضر امام موسی صدر کسب فیض می‌نمود.

از لبنان به آلمان و بعد به سوئیس رفت و در دانشگاه شهر بال در رشته اقتصاد به تحصیل پرداخت.
مطالعاتش را بیشترین در زمینه مسائل اقتصادی در اسلام صرف کرد و در ضمن تخصص به تحقیق درخصوص مباحث اقتصادی در اسلام همت گماشت.
دکتر تازی خود خود را در همین مورد به تحریر درآورد.
بیست سال از عمر خود در خارج از کشور گذراند
در طول این مدت با فعالیت در انجمن‌های اسلامی در اعتصابات که بر علیه رژیم منحوس پهلوی انجام می‌شد، شرکت می‌کرد. در سال ۱۳۵۷ به ایران بازگشت و شرکت فعالی در جریان‌های پیروزی انقلاب اسلامی داشت.
بعد از پیروزی انقلاب به سمت وزیر راه و ترابری منصوب شد و پس از تشکیل دولت شهید رجایی نیز وزارت‌ش تداوم یافت.

در طول مدت وزارت‌ش بیشترین همتش را در جهت گسترش راه‌های روستایی به کار برد که در نتیجه آن صدها روستا برای نخستین بار به شهرها و روستاهای همجوار خود پیوند یافتند و صدها کیلومتر راه خطرناک کوهستانی تعریض شد.

تمام اتوبان‌فم تهران و احداث یک راه ۳۰۰ کیلومتری که به عبور از دریاچه ارومیه، آذربایجان شرقی و غربی را به



صحت کرده و مقداری پول به عنوان تنخواه‌گردان نزد آنان گذاشته بود و بیماری‌اری که که نیاز به داروی ارزان یا رایگان با مواد غذایی خاص داشتند با شیوه‌ای که بیمار نشود توجه و به شأن او برخورد، با علامت خاصی که کنار نسخه بیمار می‌زد، نزد آنها می‌فرستاد. آنها هم غذا یا دارو را به او می‌دادند و بعد با دکتر حساب می‌کردند.

اگر متوجه می‌شد که نوجوان یا استعدادی به دلیل فقر مالی قادر نیست در مدرسه خوبی درس بخواند، هزینه تحصیلی او را تقبل می‌کرد»

مبارزات فراوانی بر ضد رژیم شاهنشاهی انجام داد. بعد از پیروزی انقلاب، انجمن امدادگران امام خمینی، آسایشگاه معلولان انقلاب و کلینیک سلمان فارسی را راه‌اندازی کرد و مست‌های معلولین وزیر بهلاری و مدیر کل توانبخشی را تجربه نمود. سازمان بهیستی را تأسیس و مبارزاتی را ضبط و تکثیر و توزیع می‌نمود.



پس از پیروزی انقلاب اسلامی، کمیته انقلاب اسلامی خرم‌آباد را تشکیل داد و توانست با همکاری دیگر مسئولان استانی و با توجه به سابقه مبارزاتی خود ریشه فتنه‌های ضدانقلاب در لرستان و خرم‌آباد را بشکند. با آغاز جنگ تحمیلی در موقعیت‌های مختلف در جبهه‌های حق علیه باطل حضور داشت.با برگزاری نخستین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی از سوی مردم ملایو لرستان برگزیده و به مجلس راه یافت.
به جهت دیانت و شجاعتی که داشت به «فخر لرستان» شهرت یافت. سیده زهرا رحیمی دختر شهید در بهمن سال ۶۵ در سن ۱۷ سالگی به هنگام بازگشت از دبیرستان به منزل، بر اثر حمله وحشیانه هواپیمای رژیم یعنی صدام به مناطق مسکونی خرم‌آباد به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

غورانگیزترین سرنوشت برایشان رقم خورد. برخی از این شهیدان پیشباز انقلاب اسلامی در سرزمین‌های دشمنان در آمریکا و انگلیس درس خواندند؛ اما هرگز به دشمن اعتماد نکردند و فریب لیخند دشمن را نخوردند، نه تنها اعتماد نکردند بلکه با ایادی دشمن مبارزه و رسوا و محو‌شان کردند. این نخبگان ممتاز و پیشباز انقلابی علمی را که از دشمنان در آمریکا و انگلیس آموخته بودند؛ علیه این مستکبران استفاده کردند و این روسه فرمولی طلایی برای مبارزه با غرب و استکبار با استفاده از دانش و دستاوردهای مادی خود غربی‌هاست. این شهدای بصیر ثابت کردند که با ایمان و تهذیب نفس می‌توان در غروب درس خواند، اما غریزده نبوده، نه تنها غریزده نبود، بلکه دشمن غرب و خوار چشم دشمنان و اسوه‌دشمن‌شناسی و دشمن‌سنتری بود. سیرت و عملکرد این اسوه‌های پیوند عهد و تخصص، بیدارباشی است برای برخی مسئولان سابق که خود دانش‌آموخته آمریکا و اروپا و فرزندانشان ساکن و مشغول تحصیل در غرب بودند و با ظاهر‌ساز و وعده‌های بزرگ و لعاب و بوچ تا عالیترین رده‌های مسئولیتی راه یافتند و در دوران مسئولیت‌شان، فریب در باغ سبزی نشان دانهای دشمنان قسم خورده انقلاب اسلامی را خوردند و به دشمنان اعتماد کردند و خصوصی کار می‌کرد.

در سال ۱۳۵۷ با حضور در اهپیمایی‌ها و پخش اعلامیه‌های حضرت اسام خمینی(ره) نقش مؤثری در پیشبرد اهداف مبارزات اسلامی داشت.

به دلیل تسلطی که به زبان انگلیسی داشت، در گروه مترجمان خبرنگاران خارجی که توسط کمیته استقبال از امام تأسیس شده بود، عضو شد تا اخبار انقلاب را بدون سانسور و بی‌کم‌وکاست به اطلاع جهانیان برساند.

در ابتدای انقلاب به پیشنهاد دولت موقت مأمور رسیدگی به وضع سفارت‌خانه‌های ایران در کشورهای خاور دورشدد. سپس چند ماه به بنیاد مستضعفان بدون دریافت حقوق به کار مشغول بود

و اعتقاد داشت این انقلاب دستاورد خون شهداست و اکنون که توفیق شهادت نصیب نشده است باید این گونه دین خود را به انقلاب ادا کند. پس از آن با اصرار مسئولان بنیاد فقط به‌اندازه یک زندگی ساده حقوق دریافت می‌کرد و بقیه آن را به خزانه دولت وایز می‌نمود.

در پی تسخیر لانه جاسوسی آمریکا از سوی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ضمن فعالیت در بنیاد، پس از کار روزانه به سفارت آمریکا می‌رفت و اسناد به جا مانده از جاسوسان را برای خدمت به انقلاب ترجمه می‌کرد.

بعد از تشکیل دولت شهید رجایی، به عنوان معاون پارلمانی و هماهنگی وزارت کار و امور اجتماعی به خدمت رفت و چند محکمتش و محروم جامعه مشغول شد.

یک نامه بسیار معروف از شهید مهمنجی منتشر و به کرات در فضای مجازی بازنشر گردیده است که در آن از وزیر می‌خواهد تا حقوق ومزایایش را کمتر از نصف کند و مابقی به هر ترتیبی که صلاح است، به حساب صرفه‌جویی دولت منظور گردد.

علامرضا دانش آشنای سوزی و وزوزی و دانشگاهی را بسا هم دامده داد و دکترای الهیات گرفت. تشکیل هسته‌های مطالعاتی قرآن، نهج‌البلاغه، احادیث و روایات از جمله برنامه‌های مستمر فرهنگی و آموزشی‌اش بود.

مبارزاتش را از همان دوران طلبگی شروع کرد و بارها توسط ساواک عملیاتی عازم شده و هنگام بازگشت زندان رژیم شاه افتاد.

بعد از پیروزی انقلاب در سازماندهی و طرح‌های آموزش و پرورش صادقانه تلاش کرد و در سال ۱۳۵۸ در اسر هبیتی برای انسجام و اعتلای مدارس خارج از کشور به کشورهای ترکیه، عراق، کویت، امارات متحده عربی، بحرین و قطر اعزام گردید.

بعد از بازگشت به کشور، به‌عنوان مدیرعامل گروه فرهنگی و بازرسی ویژه وزارت آموزش و پرورش انجام وظیفه نمود. شهید دکتر غلامرضا دانش آشتیانی در اولین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی از طرف مردم برگزیده شد. به تمام روستاهای حوزه انتخابلی‌اش سرکشی می‌کرد و واقعا در میان مردم بود.

در محافل گوناگون و از جمله مجلس شورای اسلامی سخنان خود را با یاد شهیدان و ذکر وصایای آنان و توصیه به ادامه راهشان آغاز می‌نمود. دختر گرمی‌اش محبیه دانش آشتیانی یکی مبارزات انقلابی تمام‌عیار بود که به‌عنوان اولین زن شهید در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ شاخته می‌شود.

**شهید سید فخرالدین رحیمی**
شهید سید فخرالدین رحیمی فرزند حجت‌الاسلام سید علی‌کبر رحیمی یکی از علمای بزرگ شهر خرم‌آباد بود که نسشش به حضرت امام موسی بن جعفر(ع) می‌رسد.

سید فخرالدین برای تحصیل علوم دینی به شهر قم مشرف شد و در جوانی به مدرج بالای علمی حوزوی و اجتهاد نائل گردید. فعالیت‌های انقلابی خود را با علنی شدن مبارزات امام خمینی آغاز نمود و به‌عنوان مبارزی نستوه و سیدی شجاع در تمام طول انقلاب در صف مبارزان نهضت خمینی قرار داشت. ساواک و نیروهای نظامی به شدت او را تحت کنترل‌ش داشتند؛ به‌طوری‌که پیش از ۲۵۰ برگ سند مجرمانه از فعالیت‌های آشکارش در سلاواک ثبت‌شده است.بارها دستگیر و زندانی شد و تحت‌شدیدترین شکنجه‌ها قرار گرفت.

در سال ۱۳۵۶، به سه سال تبعید در ایرانشهر محکوم شد. در ایرانشهر به فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی خود در کنار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ادامه داد. از آنجا به اقلید عمارت تبعید شد.

با اوج‌گیری انقلاب به خرم‌آباد بازگشت و پرچمدار نهضت انقلابی در آنجا بود و مانند یک رهبر مردم‌پرستان را در مبارزه با رژیم شاهنشاهی هدایت می‌کرد.

شهید حبیب‌الله (محسن) مهمانجی، برای ادامه تحصیل عازم آمریکا شد و در دانشگاه ادموند در شهر آکلامها، تحصیلات خود را در مقطع کارشناسی ارشد رشته مدیریت بازرگانی، با موفقیت سبیری کرد.

در آمریکا به همراه دوستانش انجمن اسلامی دانشجویان آکلامها را پایه‌گذاری کرد و جلسات سخنرانی و سخنرانی‌های مختلف ضدطاغوت برپا نمودند. در اواخر سال ۱۳۵۵ به ایران آمد. اعتقاد داشت که رژیم ستمشاهی، کافر و طاغوتی است و نباید تخصص‌اش را در اختیار رژیم قرار دهد. لذا در دولت کار کرد و مدتی در بازار و سپس در شرکت خصوصی کار کرد.

به دلیل تسلطی که به زبان انگلیسی داشت، در گروه مترجمان خبرنگاران خارجی که توسط کمیته استقبال از امام تأسیس شده بود، عضو شد تا اخبار انقلاب را بدون سانسور و بی‌کم‌وکاست به اطلاع جهانیان برساند.



و در کابینه شهید رجایی، به‌عنوان وزیر مشاور و سرپرست بهیستی خدمت نمود.

از وزراییی بود که به جای تحویل گرفتن خودروی ضدگلوله برای امنیت جانش، خودروی شخصی خود را به دولت داد تا راننده‌های باریش تعیین شود. دکتر با ماشین شخصی، کارهای سازمان را انجام داد.

**شهید سید کاظم موسوی**

شهید حجت‌الاسلام سیدکاظم موسوی در کنار تحصیل علوم حوزوی و تدریس، از فراگیری تحصیلات دانشگاهی نیز غافل نبود و موفق شد دانشنامه کارشناسی

را ضبط کننددر رشته اقتصاد از دانشگاه هروستن موفق به اخذ مدرک لیسانس شد اما با پیروزی انقلاب اسلامی، به ادامه تحصیلات دانشگاهی دست کشید. ابتدا مسئول بخش دانشجویی کنسولگری در دووشمن و بعد از آن هم امین دولت جمهوری اسلامی ایران در آمریکا شد.

در سال ۱۳۵۸ به مهین اسلامی بازگشت. شهید جواد سرحدی پس از مدتی طی حکمی از سوی شهید رجایی نخست‌وزیر وقت، به عنوان مدیرعامل سازمان تعاون شهر و روستا منصوب شد.

در این دوران با توسعه تعاونی‌ها و ترویج آن نقش مؤثری در ایجاد اشتغال برای طبق اقشار کم درآمد، افزایش مشارکت مردمی از طریق جذب نقدینگی سرگردان، ارتقای سطح تولید و افزایش عرضه و کاهش تقاضا و در نهایت مهار تورم ایفا نمود.در تأسیس مؤسسه خیریه آندارسناسی به درمادگان و محرومان پیش قدم بود.

بیشتر اوقات خود را صرف رسیدگی به امور بیماران و عائلق امام خمینی بود. شهید محمدعلی رجایی نقل نموده است: «ما سخنان امام را گوش می‌دادیم و بعد منتظر می‌مانیم که آقای موسوی با برداشت‌های خاص خود به اداره بیاید و ضمن بازگو کردن آنها ما را به وجد بیاورد.»

زند روز قبل از شهادت‌ش به همراه شهید باهنر، که هر یک از مناطق عملیاتی عازم شده و هنگام بازگشت چنین گفته بود: «باید همه به جبهه برویم و از آن زنده‌ها روحیه بگیریم.»

**شهید حسین سعادت**

در نیشابور و مشهد مقدس و قم تحصیل علوم حوزوی نمود. در دوران طائفوت، بی‌هیچ راهمه‌ای مردم را به حضور در راهپیمایی‌ها دعوت و خود نیز در صف اول اعتراضات مردمی حضور داشت.

با همت شهید سعادت، گروهی از طلاب جوان حوزه علمیه قم به تهران عزیمت و در کلاس‌هایی که اساتیدی نظیر شهید بهشتی در آن تدریس می‌کردند، شرکت نموده و سپس رهسپار شهرها و روستاهای دور افتاده برای تبلیغ گردیدند.

شهید حسین سعادت در دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران مأموریت یافت به همراه هیأتی عازم کشورهای مازنی و قلیبیین شود و در این کشورها نمایندگان دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی را برپا نمود.

**شهید محمد روافی**

پدر محمد از فرش‌فروش‌های معروف و متدین مشهد و همچنین حافظ کل قرآن بود. محمد از سنین پایین با علوم قرآنی و پس از آن با فعالیت‌های مربوط به داد و ستد بازار آشنا شد. هوش و ذکاوتش باعث شد در ۱۴ سالگی به‌عنوان یک تاجر متبحر فرش در بازار شناخته شود. البته به دنبال مال‌اندوزی هم نبود و بسیاری از درآمد خود را صرف فعالیت‌های عام‌المنفعه می‌کرد.

سال ۴۹ وارد مدرسه عالی بازرگانی شد. در دوران دانشگاه به‌علت مبارزات سیاسی دستگیر شد. از خانه‌ها کتابها و اعلامیه‌هایی کشف و به همین دلیل چند ماه زندانی شد و در اثر شکنجه‌ها ششوبی یک گوش خود را از دست داد.برای تحصیل سه آمریکا رفت. مبارزات سیاسی‌ش در آنجا هم ادامه یافت و با همکاری دوستانش انجمن اسلامی دانشجویان در آکلامها و برخی دیگر از شهرهای آمریکا را تأسیس کرد.

پس از دریافت مدرک کارشناسی ارشد از آمریکا با وجود پذیرش در دوره دکتر، به خاطر گسترده شدن مبارزات داخلی ضد رژیم پهلوی به ایران بازگشت و نقش آفرینی گسترده‌ای در مبارزات داشت.پس از بازگشت به ایران با همکاری دوستانش مؤسسه فرهنگی «رسا» را تشکیل داد و حدود ۲۰۰ کتاب جلد مذهبی و سیاسی را به چاپ رساند.

شهید محمد روافی بعد از انقلاب به سمت مدیرعامل

صفحه ۷

دوشنبه ۶ تیر ۱۴۰۱

۲۷ ذی‌القعده ۱۴۴۳ - شماره ۵۸-۲۳



سیدحسن نصرالله

سردار ابراهیم محمدزاده

دکتر رمضان عبدالله

شیخ ابراهیم زکریا

شهید غلام عقیقه

شهید سیدمحمدباقر حکیم

شهید محسن ججعی

شهید سید عیاد شیرازی

شهید محسن فقریزاده

شهید حسین همدانی

شهید حسن طرانی مقدم

شهید ابراهیم اوردو آنیلی

شهید مصطفی چمران

شهید ابومهدی المهندس

شهید قاسم سلیمانی

شهیدان جوله‌های پیوند عهد و تخصص

شهادی هفتم تیر زیباترین ومتمایلترین جوله‌های پیوند عهد و تخصص هستند.این شهیدان گرمای زمانی مدارک عالی داشتند که در کشور به واسطه عقیماندگی‌های آموزشی دوران طاغوت، دیپلم مدرک بالایی محسوب می‌شد؛ لذا می‌توانستند با اتکا به مدرک تحصیلی‌شان در بهترین شرایط از نظر مادی در داخل یا خارج کشور زندگی کنند و غرق رفاه و مادیات شوند

و همچون مرفهین بی‌در فراق از وضع جامعه و کشور زندگی کنند؛ اما مکتبی بودنشان موجب گردید تا که همه لذتها و خوشی‌ها پشتت با بزنند و جهادگرانه و شهادت‌طلبانه وسرقرانه در خط مقدم خدمت به اسلام و انقلاب ونظام قرار گیرند و سربازان توانمند و پروان صدیقی برای ولایت‌فقیه باشند و به سرعت مزین آمد همه اینار و فداکار ایشان را هم گرفتند و بهترین و غرورانگیزترین سرنوشت برایشان رقم خورد.

سرزمین‌های دشمنان در آمریکا و انگلیس درس خواندند؛ اما هرگز به دشمن اعتماد نکردند و فریب لیخند دشمن را نخوردند، نه تنها اعتماد نکردند بلکه با ایادی دشمن مبارزه و رسوا و محو‌شان کردند. این نخبگان ممتاز و پیشباز انقلابی علمی را که از دشمنان در آمریکا و انگلیس آموخته بودند؛ علیه این مستکبران استفاده کردند و این روسه فرمولی طلایی برای مبارزه با غرب و استکبار با استفاده از دانش و دستاوردهای مادی خود غربی‌هاست.

این شهدای بصیر ثابت کردند که با ایمان و تهذیب نفس می‌توان در غروب درس خواند، اما غریزده نبوده، نه تنها غریزده نبود، بلکه دشمن غرب و خوار چشم دشمنان و اسوه‌دشمن‌شناسی و دشمن‌سنتری بود. سیرت و عملکرد این اسوه‌های پیوند عهد و تخصص، بیدارباشی است برای برخی مسئولان سابق که خود دانش‌آموخته آمریکا و اروپا و فرزندانشان ساکن و مشغول تحصیل در غرب بودند و با ظاهر‌ساز و وعده‌های بزرگ و لعاب و بوچ تا عالیترین رده‌های مسئولیتی راه یافتند و در دوران مسئولیت‌شان، فریب در باغ سبزی نشان دانهای دشمنان قسم خورده انقلاب اسلامی را خوردند و به دشمنان اعتماد کردند و خصوصی کار می‌کرد.

در سال ۱۳۵۷ با حضور در اهپیمایی‌ها و پخش اعلامیه‌های حضرت اسام خمینی(ره) نقش مؤثری در پیشبرد اهداف مبارزات اسلامی داشت.

به دلیل تسلطی که به زبان انگلیسی داشت، در گروه مترجمان خبرنگاران خارجی که توسط کمیته استقبال از امام تأسیس شده بود، عضو شد تا اخبار انقلاب را بدون سانسور و بی‌کم‌وکاست به اطلاع جهانیان برساند.

در ابتدای انقلاب به پیشنهاد دولت موقت مأمور رسیدگی به وضع سفارت‌خانه‌های ایران در کشورهای خاور دورشدد. سپس چند ماه به بنیاد مستضعفان بدون دریافت حقوق به کار مشغول بود

و اعتقاد داشت این انقلاب دستاورد خون شهداست و اکنون که توفیق شهادت نصیب نشده است باید این گونه دین خود را به انقلاب ادا کند. پس از آن با اصرار مسئولان بنیاد فقط به‌اندازه یک زندگی ساده حقوق دریافت می‌کرد و بقیه آن را به خزانه دولت وایز می‌نمود.